

نا آگاهی و تبعیت از دوستان، عوامل اصلی گرایش به مواد مخدر است

اعتیاد؛ سایه شوم بر دوران نوجوانی

فاطمه غلامی

گزارش روز

نه سن وسال می شناسدونه جنسیت؛ بانام های گوناگون وفریبنده به راحتی پیش روی نوجوانان قرار می گیرد؛ نام هایی که هرگز باچهره مخوف اعتیاد رابطه ای ندارند. از سن کم فرد را درگیر می کنند و به چشم برهم زدن در سایه غفلت خانواده ومسئولان بلای خانمان سوز خانواده می شود.

زنگ خطر کاهش سن مصرف مواد مخدر در کشور و حتی استان خراسان رضوی به صدا درآمده است؛ زنگ خطری که به راحتی نمی توان از کنار آن گذشت؛ هشداری که غفلت از آن در آینده نه چندان دور به صدمات وضرر های جبران ناپذیری برای فرد و جامعه منجر خواهد شد.

اوضاع امروز جامعه با داهه های قبل بسیار متفاوت شده است. در دهه ۱۶ اگر دانش آموزی می خواست فیلم غیر مجازی را تهیه کند، به سختی بسیاری می توانست به آن دسترسی پیدا کند، اما در اوضاع کنونی که جهان به دهکده ارتباطات تبدیل شده است، هر دانش آموز با کوچک ترین زحمتی می تواند فقط از طریق موبایلش به هر آنچه در ذهنش می گردد دسترسی یابد. داستان دسترسی به مواد مخدر، آن هم در دوره نوجوانی و حتی در محیط مدارس، همین طور است وشاید برایتان عجیب باشد که خرید مواد مخدر از هر نوعی که بخواهید، به صورت آنلاین هم وجود دارد و جنسیت هم در آن بی معناست.

دسترسی آسان نوجوانان به مواد مخدر

برای اینکه سرنخی از اعتیاد در بین دانش آموزان پیدا کنم، در یکی از نقاط شهرستان مدرسه ای را انتخاب می کنم وبه عنوان مادر یکی از دانش آموزان سرزده وارد مدرسه ای می شوم. ۱۰ دقیقه به زنگ تفریح باقی مانده است. تعدادی از بچه ها در حال بازی هستند. دقایقی بعد صدای زنگ به صدا درمی آید وبچه ها گروه گروه در قسمت های مدرسه مشغول گپ وگفت باهم می شوند. در نگاه اول همه چیز معمولی وطبیعی به نظر می رسد؛ مدرسه، کلاس و دانش آموزان.

یکی از دختران را می بینم که تنهایی گرم خوردن صبحانه اش است. به سراغش می روم وبا او خوش ویش می کنم. وقتی با او گرم صحبت می شوم، سرنخ هایی از اعتیاد در بین دانش آموزان نمایان می شود.

نفسیه که در رشته ریاضی مقطع متوسطه اول تحصیل می کند، رشته کلام را به دست می گیرد ومی گوید: در میان هم کلاسی هایم بعضی بچه ها پدر یا مادرشان با هر دو درگیر اعتیاد هستند وباها سفره دلشان را برایش باز کرده اند ومشکلات زندگی شان را بایمن گذاشته اند. وی ادامه می دهد: در میان دانش آموزان هم بعضی ها مصرف سیگار یا مواد مخدر را نوعی روشن فکری و کلاس گذاشتن می دانند واین موضوع روز به روز به بقیه سرایت می کند. بعضی هایشان با تصور اینکه مصرف فلان قرص یا ماده مخدر راندمان کار را بالا می برد یا اینکه درس بیشتری می خوانند یا بهتر متوجه می شوند، به گمراهی کشیده می شوند. فائزه، یکی دیگر از دانش آموزان این مدرسه، به جمع ما

می پیوندد و وقتی موضوع را متوجه می شود، نکاتی می گوید که تصورش کمی سخت است! اومی گوید: از بزرگ ترهایمان شنیده ایم که در گذشته مثلا ده پانزده سال پیش مواد مخدر به سختی پیدا می شد. اما امروز اوضاع خیلی متفاوت شده است. امروز با فاصله کمی مواد مخدر در اختیار دانش آموزان قرار می گیرد. حتی بعضی دانش آموزان همان ابتدا رایگان مواد را دریافت می کنند. اما پس از مدتی که به مواد اعتیاد پیدا کردند، هزینه اش را پرداخت می کنند ومشتتری ثابت مواد فروش می شوند.

فائزه در انتهای صحبت هایش مهم ترین عامل گرایش دانش آموزان به اعتیاد را فراوانی، ارزانی و دردسترس بودن آن می داند.

سن مصرف کنندگان مخدر گل کاهش داشته است



رئیس انجمن علمی مددکاری اجتماعی ایران با گلايه از اینکه آمار درستی از مصرف مواد مخدر در مدارس ودانشگاه ها وجود ندارد، گفت: در سال های گذشته، سن مصرف کنندگان مخدر گل در کشور کاهش داشته است و اکنون بعضی نوجوانان نیز از آن استفاده می کنند. سال هاست تصور مردم ما از مواد مخدر استعمال هروئین و تریاک است، در حالی که مصرف موادی مانند گل به مراتب خطرناک تر از مواد اعتیادآور مرسوم است.

مصطفی اقلیما با اشاره به اینکه هر اعتیادی می تواند به تنهایی مولد اعتیاد های جدی تری باشد، می افزاید: متأسفانه مصرف مواد مخدر در کنار همه معضلاتی که ایجاد می کند، عیب بسیار بزرگی دارد؛ اینکه پس از مدتی مصرف کننده دیگر لذت چندانی از مصرف مواد نمی برد. به همین دلیل، هوس می کند مواد دیگری را امتحان کند تا به سطح لذت اولیه برسد.

برای همین معتقدیم حتی مصرف سیگار یاقرص های آرام بخش بدون تجویز پزشک می تواند زمینه ساز اعتیاد های جدی تری شود. این سیر اعتیاد به مواد سنگین تر در میان کودکان ونوجوانان شایع تر است. زیرا هم از سنین کم درگیر اعتیاد می شوند وهم مهارت های لازم برای خودداری در برابر وسوسه های سوداگران راندارند. وی افزود: اکنون ماده مخدر گل گوی رقابت را از ماده مخدر شیشه ر بوده و در حال

باعث شد امانتی به دست مسافری برسد که موقع پیاده شدن بسته پول را در تاکسی جا گذاشته بود. صاحب پول هم وقتی متوجه شد بسته پول همراهش نیست، هر جایی که آن روز رفته بود، سر زد. حتی همه دور بین های مغازه هایی که به آنجا رفته بود، با زبانی کرد، اما رد و نشانی از بسته پول پیدا نکرد. سرانجام برادر خانمش اطلاعیه آقای ایرانوندی را می بیند و پول به صاحب اصلی باز می گردد. چشمه مان روشن به اینکه یک بار دیگر امانت داری را ندانگان زحمت کش تاکسی زباز زد. شهر دار مراغه هم در اقدامی شایسته از راننده پاک دست تاکسی قدر دانی کرد.

یک هفته تمام کار وزندگی اش را گذاشت تا صاحب آن پاکت پول را پیدا کند؛ یک هفته ای که تاکسی زرد رنگش به جای آنکه مثل همیشه پی مسافر باشد، دنبال کسی بود تا کم شده اش را به دستش برساند. صحبت از محمد ایرانوندی، راننده پاک دست مراغه ای است؛ راننده ای که وقتی ۳ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان پول را از صندلی عقب تاکسی اش پیدا کرد، همه فکر و ذکرش شد پیدا کردن صاحب آن پول. چند باری خیابان هایی را گرفته بود، بالا و پایین کرد. پرس وجو کرد و دست آخر اطلاعیه ای منتشر کرد تا هر چه جزو دتر این پول را به دست صاحبش برساند. این اطلاعیه ها

مراجری پول هایی که راننده تاکسی به صاحبش بازگرداند

چشمه مان روشن

چشمه مان روشن

چشمه مان روشن

خبرهایی که حال دلمان را خوب می کند برای ما ارسال کنید

به قول قدیمی ها، آدمیزاد به امید زنده است. برای امیدواری بهانه که هیچ، دلیل ها هم فراوان اند. می گویند نه؟ کافی است هر روز به «چشمه مان روشن» سری بزنید وبه خبر خوشی که از میان انبوه خبرهای خوب هر روز انتخاب کرده ایم، نگاهی بیندازید. کوچک یابزرگ، فرقی نمی کند، اگر شما هم خبر خوشی دارید، با ما در میان بگذارید تا با کمک همدیگر، حس خوب زندگی را باهمشهریانمان به اشتراک بگذاریم. راه ارتباطی مان، مستقیم ونزدیک است. کافی است به شماره ۰۹۱۵۸۲۳۴۹۶۶ پیامک بدهید تا در کوتاه ترین زمان با شما تماس بگیریم وچشم مردم را به خبر خوششان روشن کنیم.

با فرهنگ باشیم

از دگرگونی تا شخم زدن فرهنگی!



این روزها نشانه هایی از تغییر سلیقه و رفتار در جامعه دیده می شود که تازگی دارد، مثل علاقه به سیگار کشیدن در قشر جوان به ویژه بین خانم ها یا همین قضیه بی حجابی و... به این تغییرات زیر پوستی و نرم، دگرگونی فرهنگی گفته می شود. تعریف علمی دگرگونی فرهنگی عبارت است از مبادرت یک قوم به رها کردن سنت ها، ارزش ها و رسوم کهن و پذیرش ارزش های تازه به جای آن ها (فاطمه جان احمدی، ۱۳۸۵).

البته من اسم این نوع دگرگونی فرهنگی را شخم زدن فرهنگی گذاشته ام، علتش هم این است که به روشنی مشاهده می شود که بعضی هم وطن مصمم اند به شکلی عامدانه تغییراتی را در ژنوم فرهنگی ایرانیان به وجود بیاورند.

نمی خواهم بگویم این دگرگونی ها همیشه و مطلق بد است؛ بله، این دگرگونی ها همیشه هم بد نیست و گاهی تغییر در جهت مثبت است. به عنوان مثال یکی از سخت ترین دگرگونی های فرهنگی در زمان پیامبر اکرم (ص) صورت گرفت. کار کارستان مرد نخست عالم، از یک سو ویران کردن باورهای ریشه دار وعادات ناپسند جاهلی واز سوی دیگر، ساخت هنجارها، الگوها وارزش های جدید روی خرابه های فرهنگ قبلی بود. یک لحظه مردم زمان پیامبر (ص) را تصور کنید. از نظر تئوری، سال ها طول می کشد تا بتوان سنت های جاهلی آن ها را محو کرد. به نظر شما تربیت یک نوزاد سخت تر است یا پاک کردن عادت هایی مثل زنده به گور کردن دختران، سوت وکف زدن در طواف، شراب خواری وفحشا، جنگ وخون ریزی، خرافه گرایی، تعصب وتقلید کور کورانه، فخر فروشی وتفاخر، خوردن گوشت خوک ومردار، قمار بازی ورباخواری؟

بعضی از این عادت ها آن قدر تهوع آورند که حتی در قرآن کریم هم به آن ها اشاره شده است، به عنوان نمونه درباره عادت زشت زنده به گور کردن دختران در قرآن کریم آمده است: اگر در آن زمان به مردی خبر می دادند که زنی دختر به دنیا آورده، چهره اش از شدت ناراحتی سیاه وسیار غضبناک می شد، از این رو نمی دانست که آیا آن دختر را باقیول نگه نگه دارد یا زنده به گور کند (نحل: ۵۸ و ۵۹). اجازه دهید به یکی دیگر از این عادات اشاره ای مختصر کنم؛ خوی خشن ومیل به خون ریزی در عرب جاهلیت، باخودتان تصور کنید که قرار است شما یک آدم تندخو و بداخلاق وخون ریز را به فردی مهربان ونرم خود تبدیل کنید. این شما واین هم ۱۰ سال زمان! عادت هایی که در قرن ها به تدریج شکل گرفته وحالا قرار است حذف وجایگزین ارزش های جدید شوند. حالا شمار نظر بگیرید که چنین مردی، می خواهند پیک دعوت به سوی خدا باشند یا این گونه بگویم که قرار است رسانه دین اسلام باشد. قرار است سفیرانی باشند که اخلاق و رفتارشان آینه تمام نمای دستورات دین باشد. در زمانی که رسانه ای است و نه اینترنت و نه تلویزیون، تنها راه گسترش، تبلیغ چهره به چهره است (با علم به اینکه مردم سواد چندانی نداشتند و کتاب و قلم هم محدود بوده است).

برگردیم به حال و هوای امروز؛ حوالی ۴۴ سال قبل بود که به نفس پاک معمار کبیر انقلاب، بساط خیلی از رفتارهای نادرست برچیده شد. مثلا موضوع تغییر نگاه به زنان از نگاه کالایی به موجودی ارزشمند که می تواند محور پیروزی وسعدت یک جامعه باشد. متأسفانه برخی تمایل دارند با شعارهای فریبنده و ظاهر سازی، تغییراتی در زیست بوم فرهنگی کشورمان بدهند وعده ای هم از روی غفلت به ترویج آن می پردازند. پذیرش وفهمیدن بعضی چیزها خیلی هم سخت نیست. به عنوان مثال سیگار کشیدن همیشه به عنوان یک عمل غیر عرف بوده است که می تواند به سلامتی ضررهای زیادی بزند. حتی اگر هزاران سلبریتی هنر به مزد، از آن قبیح زدایی کنند، بازهم همان سیگار قدیمی زبان بار است. مثال دیگرش فهم حکایت حجاب است. هر وجود ارزنمندی در دنیا محافظ دارد، از میوه ها گرفته است تا همین صفحات تلفن همراه و... ، بامختصری مطالعه می توان اهمیت حجاب در فرهنگ ایران را در هزاره های قبل کشف وبررسی کرد. مراقب دست کاری ساختار ژنتیکی فرهنگ ایران باشیم.